



Investigating the theme of Imam Khomeini's thoughts regarding to women's status based on methodology of Dynamic Fiqh

Firouzeh Karami^{1*}

1- Assistant Professor and Faculty Member of Payame Noor University, Lavasan Unit, Department of heology and Islamic Studies

Abstract:

he issue of "woman" as the half of human society, deserves to be researched and recognized, since "human" deserves contemplation and identi_cation. Recognitaion of woman and her status, is actually recognition of human and his dignity. Since, Imam Khomeini's viewpoints as a new religious reference, forms the main foundationaas of sovereignty system of Iran, and has the highest extent of legitimacy and political in_uence, investigating his ideas in this regard is essential. Particularly, imam's thoughts regarding to woman's status in Islam's epistemic system based on methodology of dynamic Fiqh, has clear di_erences with conventional thinking of traditional Fiqh and also with claimants of modernism. His viewpoints could provide cinditions for women's political participation during struggles against Pahlavi Regime and also in all of political, economic, social and cultural arenas a_er the victory of Islamic Revolution. Imam Khomeini emphasizes on nature of woman in social activities and avoids woman to be object being, and considers its violation as a factor that disturbs balance of family and society. From Imam's point of view, while women have honor, dignity and spirituality, they are free to do all kinds of the social, cultural and economic activities. hese activities should result in creation, development and growth of physical and technical knowledge, economic development and society's empowerment and must be in line with goals of Godliness and nearness to God. In this research, the social and cultural situation, before and a_er Islamic revolution, Imam's strategies and guidelines in individual, familial, and social spheres and also desirable role model of Muslim woman from Imam Khomeini's point of view is explained and investigated.

Review History:

Received: 11 Nov 2024

Revised: 11 Dec 2024

Accepted: 14 Dec 2024

Available Online: 22 Dec 2024

Keywords:

Woman

Role

Imam Khomeini thought
dynamic Fiqh

How To Cite This Article:

Bavi, S. (2024). Investigating the theme of Imam Khomeini's thoughts regarding to women's status based on methodology of Dynamic Fiqh. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 1(2) 67-83 (In Persian)



*Corresponding author's email: karami@lavasan.tpmu.ac.ir





واکاوی درون‌مایه اندیشه‌های امام خمینی در باب جایگاه زن مبتنی بر روش‌شناسی فقه پویا

فیروزه کرمی^۱

۱- استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور، واحد لواسان، گروه الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲۰ آبان ۱۴۰۳
بازنگری: ۲۰ آذر ۱۴۰۳
پذیرش: ۲۳ آذر ۱۴۰۳
ارائه آنلاین: ۱ دی ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

زن
نقش
اندیشه‌های امام خمینی
فقه پویا

موضوع «زن» به‌عنوان نیمی از جامعه‌ی انسانی به همان اندازه سزاوار واکاوی و ریشه‌یابی است که «انسان» شایسته ژرف‌نگری و شناسایی است. شناخت زن و منزلت او در حقیقت شناخت انسان و کرامت اوست. از آنجاکه دیدگاه‌های امام خمینی به‌عنوان یک مرجع نولندیش دینی اصلی‌ترین پایه‌های نظام حاکمیتی کشور را شکل می‌دهد و از بالاترین میزان مشروعیت و نفوذ سیاسی برخوردار است، بررسی آراء ایشان در این باب ضروری می‌نماید. خاصه آنکه درون‌مایه‌های اندیشه امام در باب جایگاه زن در نظام معرفتی اسلام بر اساس روش‌شناسی فقه پویا، نسبت به مواضع مرسوم فقه‌های سنتی و نیز مدعیان نوگرایی و تجدد تفاوتی آشکار دارد. دیدگاهی که توانست زمینه مشارکت سیاسی زنان را در جریان مبارزات ضد رژیم طاغوت و همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی فراهم آورد. امام خمینی بر فطرت و طبیعت زن در فعالیت‌های اجتماعی و اجتناب از شئیء وارگی او تأکید دارد و انحراف از آن را عامل برهم خوردن تعادل خانوادگی و اجتماعی قلمداد می‌نماید. از نظر امام، زنان در عین حال که دارای مقام کرامت، شرافت، عزت و معنویت هستند، در انجام کلیه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آزادند. فعالیت‌هایی که باید به پیدایش، گسترش و رشد دانش مادی، دانش فنی، توسعه اقتصادی و توانمندی جامعه بینجامد و در راستای اهداف توحیدی و تقرب به خداوند معنا و هویت یابد. در این جستار وضعیت اجتماعی و فرهنگی قبل و پس از انقلاب اسلامی، راهبردها و رهنمودهای امام در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و الگوی مطلوب زن مسلمان را از دیدگاه امام خمینی تبیین و تحلیل می‌کنیم.

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Bavi, S. (2024). Investigating the theme of Imam Khomeini's thoughts regarding to women's status based on methodology of Dynamic Fiqh. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 1(2) 67-83 (In Persian)



مقدمه

آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از مراجع عظام تقلید و اندیشمند بزرگ اسلامی در بالاترین سطح علمی و فقهی قرار داشته‌اند و هدایت و رهبری انقلاب اسلامی و بنیان‌گذاری نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه ایشان را به لحاظ حوزه نفوذ و تأثیر در موقعیتی بی‌مانند قرار داده است. با توجه به این‌که امروزه آراء و اندیشه‌های ایشان مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه‌های نظام حاکمیتی کشور را شکل داده و حتی فراسوی مرزها را درنوردیده است، بررسی آراء ایشان در حوزه مطالعات امور زنان بسیار بدیهی و ضروری می‌نماید.

گفتمان امام خمینی در حوزه امور زنان از دو گفتمان موجود در جامعه عصر خود یعنی گفتمان سنتی و گفتمان مدرن، به نحوی جدا بود که واجد نقاط قوت و فاقد نقاط ضعف هر دو بوده‌است. از همین رو توانست با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود از جمله انطباق با فطرت انسانی و سازگاری با وضعیت و شرایط عصر، مخاطبان هر یک از دو گفتمان را به خود جذب کرده و مورد استقبال و پذیرش جهانی حق جویان واقع شود.

گفتمان سنتی که با تحریم و نفی کامل آموزه‌های مدرن، شیوه ای متعصبانه اتخاذ می‌کرد، از یک‌سو زن را در نظام خانواده از جایگاه تصمیم‌گیری به دور دانسته و عمدتاً وظیفه او را اطاعت از شوهر، انجام امور مربوط به خانه‌داری و تربیت فرزند معرفی می‌کرد و از سویی به واسطه امکان رواج فساد در اجتماع، بر عدم حضور اجتماعی او تأکید می‌شد و بدین ترتیب، زن از حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری اجتماع نیز کنار می‌رفت. این در حالی است که گفتمان مدرن با نفی کامل سنت در مواجهه با غرب و فرآورده‌های به‌ظاهر تمدنی آن، در تلاش برای اخذ آموزه‌های غربی - آن‌هم به صورتی کاملاً تقلیدی و بیگانه از فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی - برآمده بود. این گفتمان با تسهیل بی‌قید و شرط حضور اجتماعی زنان به‌عنوان عاملان توسعه و ترقی کشور در عصر رضاشاه، با اقدامی نمادین، قانون کشف حجاب را به مورد اجرا درآورد.

مواضع امام خمینی که از بالاترین میزان مشروعیت و نفوذ سیاسی و کنترل منابع مادی و معنوی در عرصه عمومی و توانایی بسیج آن‌ها شناخته می‌شود. (نیک‌خواه و صادقی فسائی، ش ۲: ۱۳۹۱) در موضوع بزرگداشت مقام زن نه با مواضع مرسوم فقهای سنتی و فرهنگ غالب فقهی - اصولی موجود در جهان اسلام، شباهت چندانی دارد و نه با مواضع مدرنیستی حکومت سابق. (منصور نژاد، ۳۶: ۱۳۸۶) ایشان با استفاده از روش‌شناسی فقه پویا نگرشی کاملاً متفاوت نسبت به زن را در جامعه ایران آن روز ارائه کردند و زمینه مشارکت سیاسی زنان را در عرصه مبارزات ضد رژیم قبل از پیروزی انقلاب و همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از پیروزی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی فراهم آوردند.

آنچه شگفتی همگان را برانگیخت حضور یکپارچه زنان اما با شکلی متفاوت از الگوهای مرسوم گذشته در عرصه مبارزات انقلابی بود. زنانی که از یک‌سو بر اساس الگوی سنتی زن مسلمان، حجاب داشتند و از سوی دیگر فعالانه برای تعیین سرنوشت و احقاق حق خود به پا خواسته بودند.

مروری هرچند اجمالی بر آثار و اندیشه‌ها و سیره عملی حضرت امام خمینی نشانگر آن است که می‌توان دیدگاه‌های ایشان در مورد زنان را ذیل سه مقوله جای داد:

۱- تبیین الگوی مطلوب زن مسلمان؛ تأکید ایشان در این زمینه بر محور تبیین شخصیت الگویی بانوان بزرگ اسلام حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) و خدیجه کبری (س) استوار است. در این الگوسازی‌ها بر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن مسلمان تأکید می‌شود که ضمن رعایت قوانین و قواعد اسلامی در اجتماع حضوری مؤثر و تعیین‌کننده دارند. الگو در کلام و سیره عملی امام خمینی، پیوند عملی و متابعت و اقتدا به ایمان، علم، ادب، شجاعت، ایثار، جهاد و مکارم اخلاق و عفت است. ایشان حضرت زهرا (س) را زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های والای خلیفه‌الله در جهان می‌دانند (صحیفه امام، ۱۶: ۱۹۲) و در شأن آن بانوی بزرگوار می‌گویند: «حضرت به‌اندازه خودش که در این ظرف کوتاه، مجاهده داشته است، مخاطبه داشته است با حکومت‌های وقت، محاکمه می‌کرده است حکومت‌های وقت را، شما باید اقتدا به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است... زهد و تقوا و همه‌ی چیزهایی که داشته است و عفاف که او داشته است و همه‌چیز، شما باید اگر پذیرا شدید، آن‌ها را تبعیت کنید...» (همان، ۲۰: ۶) امام خمینی ویژگی‌های الگو بودن آن حضرت در تربیت فرزندان را این‌گونه بیان می‌کند: «این خانه کوچک فاطمه (س) و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به‌حسب عدد، چهار - پنج نفر بودند و

به‌حسب واقع، تمام قدرت حق‌تعالی را تجلی دادند. خدمت‌هایی کردند که ما راوشما را و همه‌ی بشریت را به اعجاب درآورده است» (همان، ۱۶: ۸۷)

۲- توصیف وضعیت عینی و اجتماعی و فرهنگی زمان قبل و پس از انقلاب اسلامی؛ اندیشه‌های ایشان در این بخش بر آسیب‌شناسی وضعیت اجتماعی - فرهنگی زنان پیش از انقلاب اسلامی و تبیین جایگاه و نقش ارزشمند زنان مسلمان در نهضت‌های اسلامی معاصر به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران و در جوامع اسلامی متمرکز می‌شود.

۳- ارائه راهبردها و رهنمودهایی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مربوط به مسئله زنان در راستای موضع‌گیری خویش نسبت به آن‌ها در برهه‌های مختلف نهضت اسلامی. در این مقال در مقام تبیین مواضع ایشان در سه حوزه مذکور، به تحلیل و ریشه‌یابی مضامین اصلی اندیشه‌های ایشان خواهیم پرداخت.

بعد فردی و شخصیتی زن

یکی از اصول نگرش امام نسبت به جایگاه زن این است که زن و مرد در حقیقت انسانی و آنچه وجه تمایز انسان با سایر انواع هست، هیچ تفاوتی ندارند. ایشان زن را همانند مرد، موجودی مستقل میدانند و با توجه به استعدادها و رسالتی که بر عهده دارد، او را مورداحترام قرار داده معتقدند: «ازنظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد بلکه در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد.» (همان، ۴: ۳۶۴)

از دیدگاه امام زن و مرد مسلمان در افتخارات و امتیازات-انجام وظیفه و تکلیف الهی - مساوی و از حیث مسئولیت‌پذیری برابرند. زن در مسئولیت‌پذیری و برتری‌یابی، به‌عنوان بنده مقرب دارای توان، ظرفیت، درک و تحملی برابر با مرد است و مصداق کامل انسان بالنده و پویا در مکتب اسلام است. اساس شخصیت انسان، فضایل و ارزش‌هایی است که در عمل اکتسابی او و بر اساس اراده و تلاش انسان به دست می‌آید. عواملی چون رنگ، زبان، خویشاوندی و جنس، تنها در شناخت و تمایز انسان‌ها از یکدیگر دخالت دارد نه در ارزش‌های وجودی و شخصیتی آن‌ها. به‌طورکلی ارزش انسان در نگاه حضرت امام خمینی از حیث انسانیت او مطرح است که این بعد مورد تأکید و تصریح قرآن کریم نیز هست. در نگاه امام زن دارای شخصیت و مقامی قرآنی است و نباید خارج از این ظرف ملاک‌ها و ارزش‌های دیگر را پذیرا شود. شاخصه‌های انسانی قرآن علم و تقوی هستند که در رأس تعالیم همه مکاتب الهی قرار داشته و قرآن کریم و حضرت ختمی‌مرتبت (ص) نیز بر آن تصریح و تأکید داشته‌اند.

قرآن کریم نیز وقتی از آفرینش انسان‌ها سخن به میان می‌آورد، هم به یکسانی زن و مرد در حقیقت وجودی و منشأ آفرینش تصریح کرده، تفاوت آن‌ها را نفی می‌نماید و هم در مرحله تکلیف و عمل، هر دو را به‌عنوان عنصر انسانی مخاطب می‌سازد و همچنین در مقام ارزش‌گذاری و پاداش عمل نیز، نگاه یکسانی به هر دو دارد. چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» این همان حقیقت و اصل وجودی است که امام بر آن تکیه‌دارند آنجا که می‌گویند: «تاریخ اسلام گواه احترامات بی‌حد رسول خدا (ص) به این مولود شریف است تا نشان دهد که زن بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست». (صحیفه امام، ۱۴: ۳۱۶) بنابراین وجه تمایز و میزانی که برای ارزش‌های وجودی و شخصیتی انسان اعم از زن و مرد، به شمار می‌رود همان است که قرآن در پی اشاره به یکسانی آفرینش و تفاوت‌های طبیعی و خاستگاه آن، با تعبیر «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» از آن یاد می‌کند. «تقوا» به معنای پایبندی به همه مقررات دینی و احکام الهی و همه ارزش‌های دینی است. از دیدگاه امام نیز، برتری انسان‌ها بر یکدیگر، با شاخصی غیر از شاخص‌های رایج سنجیده می‌شود و آن شاخص تقواست که از ملاحظات جنسیتی فراتر است. لذا مشاهده می‌شود که درمجموع دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان به‌گونه‌ای است که نمی‌توان از آن به مرد گرایی یا زن گرایی تعبیر کرد. این نگاه فرا جنسیتی مانع از ایجاد دو قطب متضاد و دچار شدن به پیامدهای ناگوار فرهنگی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی آن در حوزه‌های فردی و اجتماعی است.

ایشان معتقدند که اسلام با ظهورش، غبار غلیظ مظلومیت و ذلت را از چهره زن پاک نمود (همان، ۷: ۳۳۷) و به طرق مختلف کرامت ذاتی زن را آشکار ساخت. نه مرد بودن را ملاک کرامت شمرد و نه زن بودن را نشانه نکبت و بدبختی؛ بلکه تنها میزان و معیار کرامت، تقوا و خویش‌داری در برابر گناه و نافرمانی خداوند است، چه دارنده آن مرد باشد و چه زن. «اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند.

اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند که به مرد خدمت نکرده. اسلام به شما آن قدر احترام قائل است که برای مردها نیست. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده... اسلام به زن خدمتی کرده که در تاریخ همچو سابقه‌ای ندارد. اسلام زن را از توی لجنزارها برداشته، آورده، شخصیت به او داده...» (همان، ۵: ۴۲۸) (با توجه به اصل برابری حقوق انسانی و اجتماعی زنان و مردان در نظام اسلامی، از نظر امام زن همان حقوقی را واجد است که مرد دارد؛ از جمله حق تحصیل و حق کار و حق مالکیت و حق رأی دادن و حق رأی گرفتن).

توانایی زنان در کسب کمالات معنوی همانند مردان

آموزش و پرورش از حقوق اساسی انسان است و سطح سواد در زنان نه تنها موجب رشد و تواناسازی خود آن‌ها است؛ بلکه کلید مهم سلامت و بهداشت، تعلیم و تربیت خانواده و رشد اعضای خانواده و حتی جامعه است. لذا این پندار غلط که زنان به دلیل ازدواج و مسئولیت مادری به فعالیت‌های علمی نیاز ندارند، در طول تاریخ عامل مهمی برای محرومیت و فقر آموزشی و علمی زنان شده و آنان را از آموزش‌های لازم و فرصت‌های برابر محروم ساخته بود.

امام خمینی همواره زنان را به حضور در اجتماع و علم‌آموزی دعوت می‌کردند. ایشان اجازه ورود واقعی و جدی زنان را به صحنه مبارزه علمی صادر کردند و آنان را از عزلت خانه به میدان سیاست و انقلاب کشاندند و از قیدوبندهای خرافه‌ها و محرومیت‌های خودساخته‌ای که با توطئه دشمنان و ناآگاهی برخی دوستان ایجاد شده بود توانست آنان را به مرحله‌ای از رشد و بالندگی برساند که در ردیف یکی از افتخارات خود در آغاز وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش اعلام کند که: «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی اقتصادی و نظامی حاضر و هم دوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. (همان، ۲۱: ۳۹۷) بنابراین طی مراحل رشد و ارتقا به مراتب عالی انسانی و دستیابی به کمالاتی که در مسیر وصول به حیات طیبه و جزای احسن الهی است، در انحصار نوع خاصی از انسان‌ها نیست.

امام خمینی به همین اصل و امکان طی مراحل انسانی و کمالات وجودی زنان تأکید دارد و می‌فرماید: «از برای زن ابعاد مختلفه است، چنانچه برای مرد و برای انسان، این صورت طبیعی نازل‌ترین مرتبه انسان است و نازل‌ترین مرتبه زن است و نازل‌ترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال آغاز می‌شود. انسان موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرحله غیب تا فنا در الوهیت.» (صحیفه امام، ۷: ۳۳۷)

ایشان تشخص و منزلت زنان مسلمان در علم و فرهنگ را با تأکید بر تربیت و تهذیب نفس مکرراً در بیانات خود با مضامین مختلفی از جمله: لزوم کوشش جهت غلبه معنویات بر مادیات در خلال تحصیل برای زنان، لزوم اشتغال زنان در جبهه علمی مانند مردان، لزوم کوشش زنان در علم و عمل و تهذیب اخلاق، تلاش زنان همدوش با مردان در تحصیل علم، عرفان، فلسفه و تمام شعب علم، مطرح نموده‌اند.

امام خمینی با نگرشی قرآنی نسبت به زنان، نه تنها از آن‌ها حمایت حقوقی و اخلاقی می‌نمودند، بلکه بر علم‌آموزی آنان مهر تأیید زده و با تأکیدات مکرر بر این مشارکت، عملاً زمینه را برای حضور بانوان در علم‌آموزی فراهم می‌ساختند. ایشان وضع جامعه را برای فعالیت‌های علمی و عرفانی و فلسفی و تربیتی بانوان، همدوش با مردان، مساعد می‌دانستند چنانکه می‌گویند: «امروزه تمام قشرهای ملت مشغول به تربیت و تعلیم هستند. بانوان مشغول هستند. الآن بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جاهای دیگر هستند... و این امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد. آن وقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حقی قائل نبودند که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشوند و مسئله علمی بگویند یا مسئله عقیدتی بگویند. امروز این‌ها می‌توانند با حفظ همه جهات اسلام در همه جای کشور تبلیغات بکنند بلکه در خارج از کشور هم.» (همان، ۱۸: ۱۰۴)

از سوی دیگر با توجه به قدرت عاطفه و گستره احساسات در بانوان که برخاسته از لطافت روح و متناسب با موقعیت ویژه آنان است - در مقایسه با قدرت عقلانیت معاش و خطرپذیری مردان - طی مراتب بالای کمالی برای زنان سهل‌تر به نظر می‌رسد. بدون شک تحولی که در زنان جامعه ایران در اثر رهنمودهای الهی امام خمینی ایجاد شده، متأثر از عواطف و احساسات معنوی آن‌هاست؛ تحولی که این‌گونه از آن یاد می‌کنند: «من در جامعه زن‌ها یک جور تحول عجیبی می‌بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده و آن قدری که این جامعه

محترم به اسلام خدمت کردند در این زمان بیشتر از آن مقداری است که مردها خدمت کردند. خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زن‌ها است» (همان، ۱۱: ۵۱۰).

نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی زنان

یکی از نکات محوری در اندیشه دین شناختی حضرت امام در حوزه مسائل زنان این است که زن و مرد در نظام آفرینش و ساختار تکوینی زندگی آدمی «نقش تکمیلی متقابل» دارند. با توجه به جایگاه و نقش هر یک از آن دو در این زمینه، هیچ‌کدام فرع بر دیگری نیستند و تفاوت در نقش به مقتضای حکمت بالغه الهی و ضرورت آن در نظام آفرینش به معنای اصلی بودن یکی و فرعی تلقی شدن دیگری نیست. در نظام تشریع و تنظیم مناسبات اجتماعی و جایگاه انسانی- اجتماعی نیز هر یک مکمل دیگری است. محور اساسی در تحلیل و تبیین تفاوت‌های قراردادی و اعتباری نیز همین نقش‌های تکمیلی است که خاستگاه آن عمدتاً تفاوت‌های ساختاری هر یک در نظام آفرینش است. (مرتضوی، ۸۳: ۱۳۸۷)

جلوه‌ای از این نقش متقابل تکمیلی را در این فراز از بیانات ایشان به‌وضوح می‌بینیم: «در مملکت ما این‌طور شده که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه بیرون آمدند و در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، مع‌ذلک رنج دیدند، عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم بسیاری به‌تبع زن‌ها این کارها را کردند.» (صحیفه امام، ۱۱: ۵۱۰)

از منظر امام خمینی اصالت نهاد خانواده به‌عنوان مایه سکونت، مهرورزی، جایگاه امن و مستعد برای تربیت فرزندان و همچنین شرافت مقام مادر و مسئولیت خطیر او در خانواده جلوه‌ای ویژه و جایگاهی محوری دارد. چنان‌که می‌گویند: «خانواده مبنای جامعه ماست. اگر خانواده‌ها از نظر اخلاقی متزلزل شوند، تمام جامعه ما متزلزل خواهد شد.» (همان، ۲۱: ۴۸۰). قداست این نهاد مرهون عنایت ویژه‌ای است که خالق هستی در قلم تکوین و تشریع به آن داشته تا جایی که پیامبر بزرگ اسلام (ص) از آن این‌گونه یاد می‌کند: «ما بنی فی الاسلام بناءً أَحَبَّ إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنْ التَّزْوِیجِ (نوری، ۱۴: ۱۴۰۸، ۱۵۲). ایشان در مورد نقش و وظیفه حساس خانواده در جلوگیری از انحراف فرزندان اهمیت خاصی قائل است به‌گونه‌ای که این امر در بیاناتشان مکرراً دیده می‌شود. «نقش خانواده بخصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به‌طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت‌شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می‌شود.» (صحیفه امام، ۱۵: ۲۴۵) با توجه به تأکید اسلام نسبت به شرایط تربیت انسان از پیش از ازدواج تا آخرین مراحل زندگی، لازم است خانواده به‌منزله مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت و تهذیب اخلاق کودکان باشد و آن‌ها را با ارزش‌های انسانی و اسلامی آشنا سازد و البته این امر با محوریت مادر کامل می‌شود.

پرواضح است که نفوس اطفال تربیت‌پذیرند و به علت رشد اولیه کودک در دامن مادر و نیز ویژگی‌های دامن محبت مادر در تربیت فرزند، مسئولیت این امر به عهده اوست. به همین جهت در احادیث اسلامی تأکید شده است که فرزندان را در ابتدای طفولیت که ذهن و روح آن‌ها نقش‌پذیری بسیار دارد، به تربیت صحیح مجهز کنید تا در بزرگی از تأثیرات بد عوامل گوناگون مصون باشند. قرآن کریم به همین موضوع در آیات فراوانی اشاره کرده است. از آن جمله می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

از نگاه امام، بانوان نقشی اساسی و تعیین‌کننده در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه دارند و مقام مادری اولین مرتبه از شأن زن در حیات اجتماع است. در این مقام، زن هم‌طراز با انبیاء شمرده می‌شود که متأسفانه در دیدگاه مادی، این جایگاه ارزش واقعی خود را ازدست‌داده است. امام خمینی راجع به مسئولیت مادران در تربیت فرزندان صالح در ذیل آیه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» می‌گویند: «چه خطاب افتخارآمیزی است برای مؤمنین! چه خطاب مسئولیت‌آوری است برای مؤمنین!... چقدر افتخارآمیز است برای ما، برای مؤمنین برای شما مخدرات، برای شما مؤمنات که شما (را) در ردیف خدای تبارک‌وتعالی قرار داده‌است و چقدر مسئولیت‌آور است این خطاب. مؤمنین باید کفایت کنند از اسلام؛ حفاظت کنند از اسلام... بانوان محترم! مسئولید همه؛ مسئولیم همه. شما مسئول تربیت اولاد هستید؛ شما مسئولید که در دامن‌های خودتان اولاد متقی بار بیاورید، تربیت کنید، به جامعه تحویل بدهید. همه مسئول هستیم که اولاد را تربیت کنیم؛ لکن در دامن شما بهتر تربیت می‌شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد. مسئولیت دارید نسبت به فرزندان خود،

مسئولیت دارید نسبت به کشور خودتان و شما می‌توانید بچه‌هایی تربیت کنید که یک کشور را آباد کنند. شما می‌توانید بچه‌هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند؛ حفاظت از آمال انبیاء بکنند» (صحیفه امام، ۷: ۵۰۴).

شأن مادری و شرافت و مسئولیتی که جایگاه مادری دارد و توجه ویژه‌ای که در متون دینی به منزلت مادر، نقش و تأثیرگذاری او و طبعاً مسئولیت‌های وی شده، انعکاس خاصی در بیانات امام یافته است. تا آنجا که عطف و رحمت نهفته در دیدگان مادر را بارقه رحمت و عطف رب‌العالمین شمرده است. امام در فرازی از نامه اخلاقی و عرفانی خویش به فرزندشان احمد خمینی می‌نویسند: «حقوق بسیار مادرها را نمی‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال‌ها عمر پدر متعهد ارزنده‌تر است. تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطف رب‌العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته آن‌گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران درنیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحمیلی چون عرش در مقابل رنج‌ها و زحمات‌ها از حال استقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زائیدن و از نوزادی تا به آخر، مرحمت فرموده؛ رنج‌هایی که پدران یک‌شب آن را تحمل نکنند و از آن عاجز هستند. این‌که در حدیث آمده است که «بهشت زیر قدم‌های مادران است» یک حقیقت است و این‌که با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک‌پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران» (همان، ۱۶: ۲۲۵).

امام خمینی تربیت انسان‌ها را شغل انبیاء دانسته و معتقد است زن به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شغل عالم که تربیت و بزرگ کردن کودک و تحویل او به جامعه است، اشتغال دارد. (همان، ۷: ۲۸۳) «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد؛ و شریف‌ترین شغل را دارد: شغل بچه‌داری. شریف‌ترین شغل در عالم بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیاء فرستاد، در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیاء آمدند انسان درست کنند. شغل مادری؛ که مع‌الأسف اجانب این شغل را پیش ما مبتذل کردند؛ و مادرهای بچه‌های ما را از بچه‌ها جدا کردند.» (همان، ۷: ۴۶۴) با توجه به این‌که یکی از توطئه‌های رژیم پهلوی برای جلوگیری از پرورش نسل مؤمن شجاع و متعهد در دامن مادران مسلمان، جدا کردن فرزندان از دامن مادر و سپردن آن‌ها به پرورشگاه‌ها، مهدکودک‌ها و... بود، به بهانه این‌که مادران با خیالی آسوده بتوانند به دنبال شغلی بروند، با تبلیغات خود، شاغل بودن را به عنوان ارزشی والا برای زن مطرح نمودند و از سویی نقش مادری، بچه‌داری و تربیت فرزند را بسیار ناچیز و کم‌رنگ جلوه دادند. با ترویج چنین فرهنگی در جامعه و به دنبال شاغل شدن برخی مادران، فرزندانشان از همان ابتدا در مهدکودک‌ها و بعد از آن در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، تحت نظارت و طبق خواسته آن مراکز تربیت شدند، امام با بینشی عمیق به تبیین این مسئله پرداخته و مرتباً جامعه و به خصوص مادران را متوجه نتایج منفی آن می‌نمودند.

«البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد؛ لکن نه آن‌طوری که آن‌ها می‌خواستند. آن‌ها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها، هم زن‌ها را و مردها را، از آن مقامی که دارند منحط کنند، نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود، یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد. نگذارند بچه‌های ما تربیت صحیح بشوند» (همان، ۷: ۳۳۲) ایشان به نکته بسیار مهمی اشاره می‌کند و آن این‌که وقتی فرزند از مادر جدا شد از محبت مادر محروم شده، عقده پیدا می‌کند و این عقده ممکن است منشأ بسیاری از مفاسد و جنایات شود. (همان، ۹: ۱۳۶ و ۲۹۳). امام خمینی بارها از وظیفه تربیتی زنان مسلمان در تربیت افراد بافضیلت و متقی و با اخلاق اسلامی، در جهت آبادی کشور و تأمین سعادت جامعه یاد نموده و از آن جمله این‌که: «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود. آنچه بچه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر تا در جوار معلم. یک وظیفه‌ی انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است انسان درست کردن است» (همان، ۹: ۲۹۴).

بررسی سیره عملی امام خمینی، اهتمام ایشان به این موضوع را بیشتر نمایان می‌سازد. خانم طباطبایی نقل می‌کند که امام نقش مادر را در خانه تعیین‌کننده می‌دانستند و به تربیت بچه‌ها خیلی اهمیت می‌دادند گاهی که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم پس زن باید همیشه در خانه بماند؟ می‌گفتند: «شما خانه را دست کم نگیرید، تربیت بچه کم نیست. اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت بزرگی به جامعه

کرده است. ایشان معتقد بودند که تربیت فرزند از مرد برنمی‌آید و این کار دقیقاً به زن بستگی دارد؛ چون عاطفه زن بیشتر است و قوام خانواده هم باید بر اساس محبت و عاطفه باشد. (ستوده، ۱: ۲۵۱، ۱۳۸۷)

نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی زنان

یکی از نکات مهم که در حوزه دیدگاه امام نسبت به حضور اجتماعی زنان حائز اهمیت است اصل و محور گسترده‌ای با عنوان آزادی و مسئولیت دخالت در سرنوشت است که مصداق‌های فراوانی از جمله تلاش‌های فرهنگی، آموزشی، سیاسی و هنری، تحصیل، اشتغال و دیگر فعالیت‌های اجتماعی دارد. آنچه مسلم است این‌که هیچ‌کدام از این فعالیت‌ها اختصاص به جنس یا قشر خاصی ندارد. زنان با رعایت حدود شرعی نه تنها حق ورود به آن‌ها را دارند، بلکه در مواردی پرداختن به این امور تکلیف شرعی و مسئولیت اجتماعی آنان محسوب می‌شود. امام خمینی در عین حال که تفاوت‌های جنسیتی را می‌پذیرد، ولی معتقد است که این تفاوت‌ها مانع حضور اجتماعی زنان نیست، همچنان که در مورد مردان نیز این تفاوت‌ها مانع حضور آنان در اجتماع نمی‌شود. ایشان بر این باور است که این تفاوت‌ها نه تنها مانع مشارکت نیست، بلکه زن و مرد را از آسیب‌ها، به‌ویژه از بین رفتن ارزش‌های واقعی آنان باز می‌دارد. به عبارت دیگر رعایت حریم‌های جنسیتی، بستر مناسبی برای مشارکت خواهد بود. مشارکت در کارهای اجتماعی به معنای نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که هرکدام از ما باید آن را بپذیریم. این تعهد و مسئولیت می‌تواند در شکل کار و فعالیت معین یا نامحدودی صورت پذیرد که شمار زیادی از این وظایف، جنبه اخلاقی و اجتماعی داشته و تعدادی هم شکل حقوقی و اقتصادی به خود می‌گیرد.

بنابراین مشارکت اجتماعی قلمرو گسترده‌ای دارد که بعضی از انواع فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی را هم شامل می‌شود. با سیر کوتاهی در سخنان و پیام‌های امام خمینی می‌توان مشارکت اجتماعی زنان را به دو بخش غیرمستقیم و مستقیم تقسیم کرد. منظور از مشارکت غیرمستقیم، تعلیم، تربیت و تهذیب فرزندان به وسیله مادران است. بدین ترتیب که فرزندان تربیت شده با نقش و حضور خویش در جامعه، سعادت و انحطاط جوامع را رقم می‌زنند. این نوع مشارکت به وسیله فرزندان صورت می‌گیرد. خانواده نهاد اصلی و شالوده یک جامعه است. وجود این نهاد به جامعه هویت می‌بخشد و فروپاشی آن، جامعه را به انحطاط می‌کشاند.

امام خمینی به انتخاب همسر، مراعات آداب نکاح، دستورات هم‌بستر شدن، دوران حمل و شیرخوارگی و دیگر دستورهای اسلامی سفارش می‌کنند که مراعات آن‌ها در مزاج جسم و روح طفل دخالت کامل دارد. با تشکیل خانواده، نقش اساسی مادر آغاز می‌شود. مضامین زیادی در این باره از ایشان وجود دارد از جمله این‌که دامن مادر مرکز پرورش کودکان و محل پرورش بزرگ زنان و بزرگ مردان است، شروع سعادت بچه‌ها از دامن مادر است، از دامن زن مرد به معراج می‌رود و... که البته در بخش پیشین به برخی از آن‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب، امام نقش اول و مهم مادر را تربیت فرزند می‌داند، زیرا تربیت فرزند توسط مادر، از تربیت پدر و استاد بهتر است. مادر نباید به بهانه اشتغال یا فعالیت‌های دیگر، وظیفه اصلی خود را فراموش کند. جدایی فرزند از دامن مادر، مفاسد بسیاری را در پی دارد.

اما مقصود از مشارکت و فعالیت مستقیم، ارتباط و تأثیر مستقیم زن در فعالیت‌ها و عرصه‌های اجتماعی است. این عرصه، پس از خانواده، ساحت تلاش گسترده برای رسیدن به کمال است. بخشی از رشد معنوی و شخصیتی زن در خانواده و بخشی هم مربوط به عرصه حیات اجتماعی است. در اجتماع بخش بزرگی از استعدادها و قابلیت‌ها به فعلیت می‌رسد.

میدان فعالیت‌های اجتماعی

نیز امروزه همراه با پیشرفت علوم و صنایع و پیدایش عرصه‌های جدید، گسترده و متنوع شده‌اند. اشتغال، تجارت، هنر، ورزش، صنعت، مدیریت خرد و کلان، تشکله‌ها و احزاب، دادرسی، تعلیم و تعلم از آن جمله است. امام خمینی در راستای هویت بخشی به زنان جامعه و ملموس ساختن باورهای دینی در مورد آن‌ها، به مسئله الگو در نظام تعلیم و تربیت توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند و در سخنان خود، زنان را به الگوبرداری از حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) دعوت می‌کند. اساس تأسی امام به حضرت زهرا (س) مبارزه با نظام‌های ستمگر، برخورداری از ارزش معنوی والا و تربیت انسان‌های نمونه و تاریخ‌ساز است.

امام زهد و تقوا و عفاف را که حضرت فاطمه (س) داشته، الگوی بانوان در فعالیت‌های اجتماعی دانسته و به آن‌ها توصیه می‌کند عفت عمومی را حفظ کنند و بر اساس عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند. «امروز باید خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و

وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند» (صحیفه امام، ۱۳: ۱۹۳).

امام در بعضی بیانات خود، از نهضت مشروطه و جنبش تنباکو یاد می‌کند. ایشان حضور اجتماعی زنان را هم در جنبش تنباکو و هم در نهضت مشروطه مهم ارزیابی می‌کند. با این بیان که در این جنبش‌ها، زنان همدوش مردان فعالیت کردند و با حضور خود مردان را نیز به میدان مبارزه کشاندند. حضوری که برای اسلام و ایران سودمند بود: «کسی که تاریخ صدساله را مطالعه کرده است، می‌داند که در جنبش‌هایی که در ایران بوده است، جنبش‌های اصلی که در ایران بوده است، قبل از این دوره رژیم پهلوی، جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت، زن‌ها همدوش با مردها فعالیت می‌کردند... همه‌تان ملاحظه کردید که زن‌ها پیش‌قدم بودند. بلکه فعالیت زن‌ها در این باب ارزشش بیشتر از فعالیت مردها بود، برای این‌که همین خواهرها که ریختند در خیابان‌ها و در مقابل توپ و تانک تظاهرات کردند و مشت گره کردند این‌ها مردها را قدرتشان را دوچندان کرد.» (همان، ۱۰: ۱۸۴)

امام در بیشتر سخنان خود در مورد این نهضت، وقتی نقش مردم را یادآور می‌شوند، به نقش اساسی زنان اشاره می‌کنند. در آماري که از سخنان ایشان در این خصوص گرفته شده، در مورد قیام و مبارزات زنان در نهضت اسلامی به‌طور مستقیم ۸۳ مورد فراوانی و درباره قیام و مبارزات زنان و مردان، به‌طور مستقیم ۳۲ مورد فراوانی و نقش شهادت‌طلبی زنان در نهضت ۱۳ مورد فراوانی و مبارزات زنان دوشادوش مردان در نهضت ۱۸ مورد فراوانی و پیش‌قدم بودن زنان در قیام ۳۲ مورد فراوانی یافت شده است. این فراوانی‌ها، نشانگر حضور مستقیم زنان در انقلاب اسلامی است. امام در مضامینی، حضور زنان را موجب تشجیع مردان می‌داند که فراوانی آن ۳۱ مورد است. فراوانی نقش ایثار مادران شهدا در انقلاب نیز ۲۰ مورد است. این دو حضور، حاکی از مشارکت غیرمستقیم زنان در نهضت است. (صفری، ۴۴: ۱۳۷۴).

در دوره پهلوی دو الگوی متفاوت برای زن وجود داشت:

الگوی زن مدرن غرب‌گرا که مورد حمایت شدید رژیم بود و الگوی زن سنتی و عمدتاً خانه‌نشین و بی‌تفاوت نسبت به کلان مسائل جامعه. به تدریج بین این دو الگوی متفاوت قشر بینایی از زنان ایجاد گردید. این قشر جدید، در حالی که به هر دو الگوی اشاره شده تعلقاتی داشت، بر هیچ کدام از آن‌ها کاملاً منطبق نبود. در حقیقت نقاط قوت هر یک را جذب کرده، تلاش می‌کرد تا از نقاط منفی هر دو الگو کناره گیرد. مشخصه این گروه از زنان این بود که در عین حالی که تحصیل کرده بودند و حتی اشتغال داشتند، غرب‌گرایی را به شکل افراطی آن نمی‌خواستند و همچنین در عین وفاداری به ارزش‌های سنتی و مذهبی و الگوبرداری از حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س)، خود را از حضور در صحنه‌های اجتماعی کنار نمی‌کشیدند و درباره مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه بی‌تفاوت نبودند. (طغرانکار، ۱۴۴: ۱۳۸۳)

از منظر امام، نماد ارزشمند و بسیار روشن زن در جامعه اسلامی، زنی است که در براندازی رژیم شاه و پس از آن در مراحل تصویب و تثبیت جمهوری اسلامی نقش ارزنده داشته است. این زن در جنگ و دفاع مقدس، نقش تعیین‌کننده دارد و در هدایت و رهنمود جوامع، جزء رسولان و فرستادگان دینی است؛ چنان‌که در هیئت اعزامی به شوروی در دی‌ماه در سال ۷۶۳۱ به دستور امام خمینی هیئتی به سرپرستی آیت‌الله جوادی آملی برای ابلاغ پیام توحیدی ایشان به گورباچف راهی مسکو شدند و مرحوم خانم مرضیه دباغ یکی از اعضای منتخب این هیئت بود. در دیدگاه ایشان، زن مربی انسان و مظهر تحقق آمال بشر است و از دامن زن مرد به معراج می‌رود (صحیفه امام، ۷: ۳۴۱) و اگر زنان از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند. (همان، ۶: ۳۰۰) ایشان زن را مبدأ همه سعادت‌ها و خیرها می‌داند و معتقد است: زن، انسانی بزرگ و مربی جامعه است. او است که با تربیت صحیح خود انسان درست می‌کند و کشور را آباد می‌نماید. (همان، ۳۳۹) زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. او است که مظهر تحقق آمال بشر و پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است و هم او است که زنان و مردان بزرگ را تربیت می‌کند. (همان، ۳۴۱)

نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به‌عکس آن باشد. (همان، ۱۶: ۱۹۲) از آنجاکه ذکر مجموع دیدگاه‌های امام خمینی درباره زن در مقطع انقلاب و دفاع مقدس در این مجال نمی‌گنجد، جهت رعایت اختصار، تنها به نمونه‌هایی از اظهار نظرهای ایشان استشهد می‌گردد.

که به تصریح یا تلویح، حضور زنان را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأیید نموده و بلکه سهم آنان را از سهم مردان هم بیشتر ارزیابی کرده‌اند:

۱ - زن عضو مؤثر جامعه: «امروز به برکت نهضت اسلامی، زن عضو مؤثر جامعه تا حدودی مقام خود را یافته است.» (همان، ۱۲: ۲۷۵)

۲ - دخالت زن در همه شئون: «اسلام زن را مثل مرد در همه شئون (دخالت می‌دهد). همان‌طور که مرد در همه شئون دخالت دارد زن هم دخالت دارد.» (همان، ۶: ۳۰۰)

۳ - دخالت در سرنوشت: «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد.» (همان)

۴ - دخالت در مقدرات اساسی کشور: «زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند.» (همان، ۶: ۳۰۱) به نظر ایشان، زن می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصادی، صنعتی، تعاونی و همه کارهایی که در سازندگی کشور مؤثر است، به فعالیت بپردازد. زن در اداره امور و سرنوشت خود آزاد است و نباید نیمی از جمعیت کشور را از دخالت در مقدرات خود محروم کرد. می‌توان گفت که نگاه امام به مشارکت، بر اساس تکلیف و وظیفه است نه جنسیت؛ چراکه زن هم انسان است و تکلیف دارد. امام حفظ جامعه اسلامی، دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و... را برای زن و مرد تکلیف می‌دانند و در این میان هیچ فرقی میان این دو نمی‌گذارند. به نظر ایشان زنان نباید خیال کنند که مردان اداره امور را بر عهده دارند بلکه همه باید برای سازندگی دست‌به‌دست هم دهند. اگر خانم‌ها خیال کردند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند و یا مردها خیال بکنند که کنار بروند و خانم‌ها این کار را انجام بدهند... این خیال، خیال صحیحی نیست؛ برای اینکه کارها این‌قدر آشفته است، گرفتاری‌ها این‌قدر زیاد است که هر شخصی باید در هر محلی هست، تکلیفی که دارد این است که آنجا را خوب بسازد (همان، ۹: ۵۰۰) امام خمینی از ابتدای انقلاب، بر حضور مستمر و فعالانه زنان تصریح دارند و آنان را به فعالیت در انواع مشارکت‌های سیاسی، از رأی دادن تا حضور در عرصه مدیریت و سازندگی کشور سفارش می‌کنند.

۵ - رأی دادن: زنان در نظام اسلامی ایران، برحسب وظیفه و تأکید رهبری آن، به‌صورت پرشوری دوش‌به‌دوش مردان در انتخابات حضور می‌یابند. مشارکت فعال آنان در مقام انتخاب‌کننده، انگیزه‌های لازم را برای حضور شایسته در آینده، در جایگاه انتخاب شونده فراهم می‌آورد. «همه شما باید رأی بدهید... شما (زنان) هم باید رأی بدهید. شما هم فرقی با سایرین ندارید بلکه شما مقدمید بر مردها. مردها در دامن شما بزرگ شدند، شما تربیت‌کننده مردها هستید قدر خودتان را بدانید...» (همان، ۶: ۳۵۸)

۶ - رأی گرفتن: «زن‌ها حق رأی دارند، حق انتخاب شدن دارند» (همان، ۶: ۴۳۶)

۷ - مشارکت زنان در دفاع مقدس: «پیروز و سرافراز باد نهضت اسلامی زنان معظم ایران؛ افتخار بر این قشر عظیمی که با حضور ارزشمند و شجاعانه خود در صحنه دفاع از میهن اسلامی و قرآن کریم، انقلاب را به پیروزی رسانده و اکنون هم در جبهه و پشت جبهه در حال فعالیت و آماده فداکاری هستند» (همان، ۱۴: ۳۱۷) با پیروزی انقلاب و تهاجم رژیم عراق علیه ایران، جنگ تحمیلی آغاز شد. علاوه بر ارتش، نیروهای مردمی نیز برای دفاع از کشور سازمان‌دهی شدند. زنان جزء نیروهای مردمی بودند که هر چه در توان داشتند، دریغ نکردند و به شیوه‌های مادی، معنوی، مستقیم و غیرمستقیم در دفاع مقدس حضور داشتند. شرکت در بسیج نظامی و اجتماعی، شرکت در ستاد پشتیبانی جنگ و ارائه کمک‌های مادی به رزمندگان، حمایت‌های معنوی از رزمندگان و تشجیع آن‌ها، حضور در امدادسانی‌ها و هلال‌احمر و حتی شرکت در خط مقدم جبهه برای مداوای مجروحان و... از آن جمله است. امام خمینی در فرازهایی از سخنان خود، به این حضور و مشارکت مباهات و افتخار می‌کنند. ایشان فداکاری زنان بزرگ ایران را در جنگ تحمیلی، به اندازه‌ای اعجاب‌آمیز می‌دانند که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است. بانوانی که به پشتیبانی از لشکر و قوای مسلح مشغول‌اند و همدوش مردان بلکه جلوتر از آنان در صف قتال ایستادند، بچه‌ها و جوانانشان را از دست دادند و شجاعانه مقاومت کردند. (همان، ۶: ۳۰۰). همچنان که در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خویش به حضور بانوان در صحنه‌های نظامی مانند دیگر صحنه‌ها با صراحت افتخار می‌کنند. (همان، ۲۱: ۳۹۷) جالب این‌که در همان روزهای نخست پیروزی انقلاب، طی پرسشی مبنی بر این‌که آیا زنان می‌توانند در پست‌هایی مثل مقامات نظامی یا غیرنظامی خدمت کنند؟ امام پاسخ داده بودند: در امور نظامی مثل سایر امور زنان می‌توانند کارهایی را به‌عهده بگیرند هم چنان‌که در صدر اسلام در پشت جبهه، تداوی مجروحین را به‌عهده داشتند. (همان، ۵: ۲۹۲) بنابراین از نظر ایشان زنان می‌توانند در محیط صحیح اسلامی و با حفظ عفاف، برای دفاع از اسلام و مقاصد آن، در خدمت ارتش یا سپاه باشند یا تعلیمات نظامی ببینند. «من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان باشرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه‌جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی، با تأیید خداوند متعال موفق شوند و دوره‌تعلیمات و تمرین‌های عملی

نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به‌طوری‌که سزاوار یک ملت اسلامی بپا خاسته است، به پایان رسانند» (همان، ۱۲: ۱۵۹) در همین ارتباط وقتی امام از عاطفه و احساسات بانوان سخن می‌گویند آن را به‌عنوان یک نقطه قوت و محور امتیاز زنان می‌شمارند که در خدمت جنگ و جهاد مقدس قرار گرفته است: «عواطفی که در بانوان است مخصوص خودشان است و در مردها این عواطف نیست و لهذا آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می‌شود بیشتر و بالاتر و ارزنده‌تر از آن چیزی است که از مردها صادر می‌شود» (همان، ۱۴: ۳۵۵)

۸ - حضور در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تصدی مسئولیت و مدیریت سیاسی؛ از بیانات امام می‌توان به جواز شرکت زنان در این دو مورد اشاره کرد. امام خمینی با طرح این موضوع که اسلام یک دین سیاسی است، به اهمیت دخالت زنان همچون روحانیون در امر سیاسی و تکلیف آن‌ها در این خصوص اشاره می‌کند و در این زمینه می‌گوید: «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند تکلیفشان این است. روحانیون هم حق دارند در سیاست شرکت کنند. تکلیف آن‌هاست. دین اسلام یک دین سیاسی است و همه چیزش سیاست است حتی عبادتش» (همان، ۱۰: ۱۵). همچنین در جای دیگر اضافه می‌کنند: «زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد. (همان، ۴: ۴۳۶)

۹ - حضور در مبارزات: «امروز زن‌های شیردل طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل‌وتانک دژخیمان می‌روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟» (همان، ۳: ۵۱۲) امام خمینی این مشارکت گسترده را حاصل تحول معجزه‌آسایی می‌داند که در زنان ایجاد شده است.

۱۰ - مشارکت در نظارت عمومی: نظارت فعال و مسئولانه بر آنچه در جامعه اسلامی می‌گذرد و تلاش برای حسن اجرای امور علاوه بر آگاهی نیازمند حضور در صحنه اجتماع و اظهارنظر در مسائل است. امام در این زمینه زنان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «باید همه افراد به‌خصوص زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی وارد باشند و ناظر؛ هم به مجلس ناظر باشند هم به کارهای دولت ناظر باشند و اظهارنظر بکنند.» (همان، ۱۳: ۱۹۳)

۱۱ - مشارکت در اصلاح جامعه با امر به معروف و نهی از منکر: ایشان از همگان اعم از زن و مرد می‌خواهد به احکام اسلام عمل کنند و دیگران را نیز وادار به عمل نمایند و معتقد است: «همان‌طور که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند» (همان، ۱۰: ۲۶۸)

۱۲ - مشارکت در عرصه سازندگی: یکی از صحنه‌های مشارکت زنان در دوران پس از انقلاب حضور در عرصه سازندگی بود. در این خصوص امام تأکیدات زیادی دارند. از جمله: «در نظام اسلامی، زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان، در بنای جامعه اسلامی داشته باشد» (همان، ۴: ۴۱۴) و با معتقدند: «همه ملت ایران - چه بانوان و چه مردان - باید این خرابه‌ای که برای ما گذاشتند بسازند. با دست مرد تنها درست نمی‌شود. مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند» (همان، ۶: ۳۰۱) و در جای دیگر عنوان می‌کنند: «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان، در تلاش سازندگی خود و کشور هستند.» (همان، ۱۲: ۲۷۵)

۱۳ - مشارکت در عرصه فرهنگی: تلاش در عرصه فرهنگی به معنای وسیع کلمه از دیگر عرصه‌های حضور اجتماعی است که امام بارها بر آن تأکید داشته‌اند. از جمله: «شما می‌دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود... این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانم‌ها همان‌طوری که آقایان مشغول هستند، همان‌طور که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید» (همان، ۲۰: ۹). امام تمام اقشار جامعه اعم از مرد و زن و خصوصاً زنان را تشویق و ترغیب به فراگیری علوم و یاد دادن آن به دیگران با حفظ موازین شرعی نموده و از آن به‌عنوان وظیفه‌ای بر عهده همه افراد نام می‌برد: «در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ‌کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست.» (همان، ۱۹: ۱۸۴)

در فراز دیگری به تجلیل از خدمات متعهدانه آحاد مردم برای سازندگی کشور می‌پردازد: «زنان شیردل و متعهد همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته، چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند. درود بی‌پایان بر زنان متعهدی که اکنون در سراسر کشور، به تربیت نوباوگان و تعلیم بی‌سوادان و تدریس علوم انسانی و آموزش فرهنگ غنی قرآنی اشتغال دارند.» (همان، ۱۴: ۳۱۷) امام زهد و تقوا و عفاف را که حضرت فاطمه (س) داشته‌اند، الگوی بانوان دانسته و به آن‌ها توصیه می‌کند عفت عمومی را حفظ کنند و بر اساس عفت

عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند. (همان، ۱۲: ۱۹۳) حضرت امام در سخنان خود، زنان را به الگوبرداری از حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) دعوت می‌کند مبنای توصیه به تأسی از این اسوه‌های معنوی، مبارزه با نظام‌های ستمگر، برخورداری از ارزش معنوی والا و تربیت انسان‌های نمونه و تاریخ‌ساز است.

تحولات دیدگاه امام خمینی

بررسی نظریات، موضع‌گیری‌ها و عملکرد امام در دوران حیات سیاسی اجتماعی ایشان مبین آن است که متناسب با تحولات زمان و مکان و متأثر از شرایط و بستر سیاسی - اجتماعی در دیدگاه‌های ایشان نسبت به فعالیت زنان تحول قابل‌ملاحظه‌ای پدید آمده‌است. (سیمایی، ش ۲: ۱۳۷۸)

برای تحلیل دیدگاه امام در خصوص حقوق اجتماعی زنان به نظر می‌رسد باید ابتدا مواضع ایشان را در سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۱، با دیدگاه‌های ایشان از سال ۱۳۵۷ به بعد، به‌طور جداگانه مطرح و سپس به داوری نشست. چراکه ظاهراً با توجه به دو مقطع زمانی، دو گونه برداشت از حقوق زن در نگاه ایشان قابل‌مشاهده است. در لایحه انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تفویض حق رأی به زنان، تیتراژ اول روزنامه‌ها بود. (البته این لایحه شامل موارد دیگر نیز بود، ازجمله حذف شرط اسلام برای رأی‌دهندگان و منتخبین) که امام خمینی و چند تن از مراجع دیگر، با آن مخالفت نمودند. امام به‌صراحت اعلام کردند: «شما ببینید بیست و چند سال از این کشف حجاب مفتضح گذشته‌است، حساب کنید چه کرده‌اید؟ زن‌ها را وارد کردید در ادارات، ببینید در هر اداره‌ای که وارد شدند، آن اداره فلج شد فعلاً محدود است، علما می‌گویند توسعه ندهید، به استان‌ها نفرستید. زن اگر وارد دستگاهی شد. اوضاع را به هم می‌زند، می‌خواهید استقلال‌تان را زن‌ها تأمین کنند؟» (همان، ۱: ۱۱۸). درباره حق دخالت بانوان در انتخابات، آن را شیطنت قلمداد نموده و با تعبیر مختلف به‌شدت با آن مخالفت کردند و نتیجه گرفتند که با تساوی کامل حقوق، چندین حکم ضروری اسلام پایمال می‌شود (همان، ۱: ۱۸۶) و یا تساوی حقوق زن و مرد، به معنای زیر پا نهادن قرآن و مذهب جعفری است (همان، ۱: ۱۶۱) و عنوان کردند: «تصویب نامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی‌اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است» (همان، ۱: ۱۴۹)

در همان سال‌ها ایشان در مورد آزادی و حقوق زنان بیان داشتند: «چه می‌گویید شماها؟ مگر با الفاظ می‌شود؟ مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند، ترقی برای شما درست کردند تا زن‌هایشان ترقی درست کنند؟ ما می‌گوییم این‌ها را فرستادن در این مراکز، جز فساد چیزی نیست.» (همان، ۱: ۳۰۵) اما به نظر می‌رسد که حدود یک و نیم دهه بعد دیدگاه‌های ایشان درباره زن، عبارات و تعبیرات سابق را ندارد. مثلاً در آذرماه ۱۳۵۷ در فرانسه اعلام کردند: «این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد مثلاً دیگر زن‌ها باید بروند توی خانه‌ها بنشینند... این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند؟ صدر اسلام زن‌ها توی لشکرها هم بودند... اسلام دست زن‌ها را گرفته و در قبال مردها نگه‌داشته... زن و مرد آزادند که به دانشگاه بروند، آزادند در این که رأی بدهند، رأی بگیرند. این‌طوری که این‌ها زن را می‌خواهند بار بیاورند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد، به قول شاه: زن خوب است فریبا باشد، ما می‌خواهیم این کلمه را بگیریم. این غلط را بگیریم. ما می‌خواهیم زن آدم باشد، مثل سایر آدم‌ها، انسان باشد، مثل سایر انسان‌ها، آزاد باشد مثل سایر آزادها.» (همان، ۵: ۲۱۷)

ایشان بارها بر این نکته تأکید کرده و می‌گویند: زن‌ها حق رأی دارند. از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زن‌ها قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند. (همان، ۶: ۴۳۶). همچنین در سال‌های آغازین مبارزه، از تساوی حقوق زن و مرد و آزادی‌های آن‌ها سخن به میان می‌آورند: «در خصوص زنان، اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آن‌ها نبوده‌است، برعکس اسلام با مفهوم زن شیء شده و به‌عنوان شیء مخالفت کرده است، زن مساوی مرد است» (همان، ۳: ۳۷۰) همین‌طور دیدگاه ایشان در مورد حضور زنان در انتخابات و رأی‌گیری‌ها، مسئله‌ای است که طی دوران ستم‌شاهی به دلیل بستر خاص سیاسی اجتماعی حاکم و مفاسد مترتب بر آن از سوی امام نهی می‌شد و همین امر در دوران پس از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک تکلیف و وظیفه شرعی قلمداد می‌شود. در سال ۱۳۵۷ در خصوص موقعیت سیاسی - اجتماعی زنان در حکومت آینده به برابری آنان با مردان در تعیین سرنوشت سیاسی و سایر حقوق انسانی تصریح کردند. «در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق رأی دادن، حق رأی گرفتن» (همان، ۵: ۱۸۹)

می‌توان این تفاوت ظاهری آرای امام خمینی در دو مقطع زمانی را با توجه به چند نکته تحلیل و تعلیل نمود:

۱- توجه به قیود مطرح‌شده از سوی امام در سابق و حال: ایشان در مواضع سابق خود که از محدودیت حضور زنان در کار و عدم تساوی زن و مرد بحث می‌کردند این‌گونه تعلیل می‌نمودند که با الفاظ چیز می‌عوض نمی‌شود، آزادی تحقق نمی‌یابد، ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، بلکه با فحشا مخالفیم و زمانی که در طلوع انقلاب اسلامی از حقوق و آزادی‌های زنان دفاع می‌کردند، این آزادی و حقوق را مقید می‌کردند به اینکه مرد و زن احکام خاص خود را دارند؛ بنابراین نه طرح محدودیت زن در زمان سابق به‌صورت مطلق بود و نه طرح آزادی زن در لاحق بدون قید.

۲- نقش زمان و مکان در اجتهاد: توجه به عصری که امام خمینی با آزادی زن به مخالفت پرداختند و با حضور در صحنه و کار زن مخالف بودند و توجه به زمان دیگری که از آزادی و سایر حقوق زن، همسان با مردان دفاع می‌کردند نیز ضروری است. ایشان خود معتقد بودند که زمان و مکان دو عنصر تأثیرگذار در اجتهادند. (همان، ۲۱: ۲۸۹) بنابراین در عصر پهلوی که یکی از مفاخر پدر (رضاشاه) کشف حجاب است و پسر نیز اعلام‌نشده همان راه را می‌پوید، نظامی که نه‌تنها دین‌محور نبود بلکه دین‌ستیز بود، امام خمینی حضور زن در عرصه اجتماع را باعث مفسده می‌دانست و آن را تحریم می‌کرد، اما در نظام سیاسی دین‌مدار که اصل بر رعایت شئون اسلامی و پوشش و عفاف زن است، حضور در صحنه و کار و... را تجویز می‌کند. مضاف بر این که در سیره عملی امام، شاهدیم که از دو سفیر ایشان در ارسال پیام به «گورباچف» یک نفر زن بود که حداقل این پیام، فعال بودن زنان در حکومت اسلامی است.

۳- در مسئله تساوی حقوق زن و مرد آنچه را امام خمینی نمی‌پذیرفتند، تساوی به معنای تشابه حقوق است؛ زیرا در مواردی که به هویت زن در برابر مرد مربوط می‌شود، به احکام خاصی برای زنان، جدای از مردان قائل‌اند؛ اما در مواردی که به حقوق انسانی مربوط می‌شود (حق تحصیل، حق کار، حق رأی دادن و رأی گرفتن و...) به تساوی حقوق زن و مرد قائل بودند و عکس‌العمل ایشان در مقابل نظام طاغوت نیز عمدتاً از آن‌رو بود که آنان این شعارهای زیبا را ابزاری برای اغراض فاسد می‌دانستند. بر همین اساس بود که تصریح می‌نمودند: «مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زن‌هایتان درست کنند؟... مگر مردها آزادند که زن‌ها می‌خواهند آزاد باشند؟» (همان، ۱: ۳۰۵)

۴- مشارکت زنان در ساختن بنای جدیدی که امام خمینی معمار آن بود در مقطع سال‌های ۵۶ و ۵۷ حاصل تحولی بود که در نگرش زنان نسبت به خود و همچنین نگرش جامعه نسبت به زنان با هدایت‌های امام ایجادشده بود. حضور فعال و جدی و متعهدانه زنان در انقلاب اسلامی نیز می‌تواند بر نگرش و اجتهاد امام خمینی در مسائل زنان، تأثیر مثبت داشته باشد؛ زیرا این حضور به‌قدری چشمگیر بود که ایشان در مواضع متعدد سهم آنان را بیشتر از مردان می‌دانند. «شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید. مردها از شما الهام گرفتند...» (همان، ۶: ۳۵۸) در این صورت اگر بر طبق مبنای ایشان، یک مسئله بر اثر عوامل بیرونی و تغییر در شرایط موضوع، حکم جدید می‌طلبد، صلاحیت‌هایی که زنان در مبارزه از خود نشان دادند، می‌تواند حتی باعث تغییر حکم شود. این مبنای مهم اجتهادی، در جملات زیر منعکس شده است: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده، به‌ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم‌فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد.» (همان، ۲۱: ۲۸۹)

در تعلیل تحولات و نکته نظرات امام راجع به زنان باید به تحول در موضوع که به تحول در حکم می‌انجامد توجه داشت؛ زیرا زنان مرتبط با حکومت پهلوی عمدتاً دغدغه دینی و انقلابی نداشتند و حال آنکه زنان عصر انقلاب و دفاع مقدس، این دغدغه وجود داشت و موضوع زن، تحول معنوی و کیفی پیدا کرده و لذا طبق مبنای امام خمینی که زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند، نمی‌توان حکم واحدی نسبت به آن‌ها صادر کرد. از این‌رو امام خمینی در طی دوران طاغوت به دلیل وضعیت حاکم و سیاست‌هایی که توسط رژیم شاه اعمال می‌شد، نسبت به حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی ابراز انزجار و نگرانی می‌کردند، درحالی که در جریان پیروزی انقلاب و پس از آن، ایشان خود مشوق زنان برای حضور در اجتماع و به دست گرفتن مقدرات خود بودند.

در این باره می‌توان به ضرورت عصر که حقوق زنان از مباحث مورد توجه جهان جدید است و حکومت‌ها نمی‌توانند نسبت به حقوق نیمی از آحاد جامعه بدبین و یا حتی بی‌تفاوت باشند، اشاره کرد. از این جهت در حکومت اسلامی می‌بایست به حقوق بانوان توجه خاصی منظور می‌گردد. (منصور نژاد، ۴۱: ۱۳۸۶).

امام خمینی مهم‌ترین مصلحت را حفظ نظام اسلامی می‌دانند و صدور احکام ثانویه بر مبنای مصالح نظام را یکی از اصول سیاست‌گذاری و از ضروریات بقاء و مصلحت حکومت اسلامی دانسته‌اند: «یکی از مسائل مهم در دنیای پر آشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. حکومت، فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند و این بحث‌های طلبگی مدارس که در چهارچوب تئوری‌هاست، نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد.» (صحیفه امام، ۲۱: ۲۱۷ و ۲۱۸) ایشان بر اهمیت زمان و مکان در اجتهاد تأکید کرده و بازنگری و نواندیشی در فقه و فقهات را لازم و ضروری می‌دانند.

«مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوی و زهدی که درخور شأن مجتهد است، واقعا مدیر و مدبر باشد.» (همان، ۲۱: ۲۸۹) بنابراین تحولات موجود در نگرش امام خمینی نسبت به زنان را، می‌توان ناشی از تحولات جامعه و شرایط مساعد پدید آمده پس از انقلاب و ضرورت‌های ناشی از آن و نیز به جهت تحول به وجود آمده در قشر بانوان دانست. این مطلب پویایی فقه شیعه و نگرش عمیق فقهایی چون امام خمینی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

زنان در اندیشه امام خمینی واجد مقام انسانیت، کرامت، شرافت، عزت و معنویت هستند و در انجام کلیه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آزادند. فعالیت‌هایی که باید به پیدایش، گسترش و رشد دانش مادی، دانش فنی، توسعه اقتصادی و توانمندی جامعه بینجامد، تعالی و رشد انسانی زن و خانواده را رقم زند و در راستای اهداف توحیدی و تقرب به خداوند معنا و هویت یابد. امام خمینی بر فطرت و طبیعت زن در فعالیت‌های اجتماعی و اجتناب از شیء وارگی او تأکید دارد و انحراف از آن را عامل برهم خوردن تعادل خانوادگی و اجتماعی قلمداد می‌نماید. جدول ذیل خلاصه نظام فکری امام خمینی را در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، با لحاظ جنبه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و تکلیف‌شناختی، متناسب با ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان می‌نمایاند.

جدول شماره ۱

جمع‌بندی دیدگاه‌های آیه الله العظمی امام خمینی در باب شأن و منزلت زنان در اسلام	
بعد فردی و شخصیتی زنان	زن همان حقوقی را واجد است که مرد دارد؛ از جمله: حق تحصیل، کار، مالکیت، رأی دادن، رأی گرفتن و... زن اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.
نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی زنان	خانواده مبنای جامعه است. اگر خانواده‌ها از نظر اخلاقی متزلزل شوند، تمام جامعه متزلزل خواهد شد. مادری بزرگ‌ترین مسئولیت و شریف‌ترین شغل است
نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی زنان	زن عضو مؤثر جامعه است و اجازه دخالت در تمام شئون و مقدرات اساسی کشور و تصدی مسئولیت و مدیریت سیاسی و نظارت عمومی و اصلاح جامعه و عرصه فرهنگی را دارد.
فعالیت‌های اقتصادی زنان	زن می‌تواند در بخش‌های گوناگون اقتصادی، صنعتی، تعاونی و همه کارهایی که در سازندگی کشور مؤثر است، فعالیت کند. زنان دارای حق کار و حق انتخاب شغل هستند
الزامات حضور زن در اجتماع	حفظ کرامت و عزت نفس، التزام به عفاف و پوشش، عدم اختلاط با نامحرم، هماهنگی با مسئولیت‌های خانوادگی، اخذ رضایت همسر، تناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی زنان

منابع:

- (۱) قرآن کریم
- (۲) خمینی، روح‌الله، مجموعه آثار حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم‌افزار مرکز علوم کامپیوتری نور
- (۳) ستوده، امیررضا (۱۳۸۷) پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره
- (۴) سیمایی، حسین (۱۳۷۸) ثابت و متغیر در اندیشه سیاسی امام خمینی، حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۲
- (۵) شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ ق) خصائص الائمة: (خصائص امیرالمؤمنین علیه‌السلام)، محقق/ مصحح: محمدهادی امینی، مشهد، آستان قدس رضوی
- (۶) صفری، فاطمه، (۱۳۷۴) الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زن مسلمان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- (۷) طغرانگار، حسن (۱۳۸۳) حقوق سیاسی- اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- (۸) مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۸۷) امام خمینی و الگوهای دین‌شناختی در مسائل زنان، دفتر تبلیغات اسلامی
- (۹) منصور نژاد، محمد (۱۳۸۶) زنان: حقوق، کرامت و هویت در دفاع از حقوق زنان، تهران، انتشارات جوان پویا
- (۱۰) نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)
- (۱۱) نیک‌خواه قمصری، نرگس، صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۱) «زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۲

References:

1. Al-Qur'an. (in Persian)
2. Khomeini, R. (n.d.). Majmue-ye asar-e Hazrat-e Imam Khomeini [Collected works of Imam Khomeini]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Noor Computer Science Center Software. (in Persian)
3. Setoudeh, A. R. (2008). Pa be pay-e aftar [Side by side with the sun]. Tehran: Panjereh Publishing. (in Persian)
4. Simayi, H. (1999). Sabet va motaghayyer dar andisheh-ye siyasi-ye Imam Khomeini [Constant and variable in the political thought of Imam Khomeini]. Hokumat-e Islami [Islamic Government], 4(2). (in Persian)
5. Sharif al-Radi, M. B. H. (1406 AH). Khasais al-A'immah: Khasais Amir al-Mu'minin (AS) [Characteristics of the Imams: Characteristics of the Commander of the Faithful (AS)]. (M. Amini, Ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)
6. Safari, F. (1995). Olgu-ye ejtemayi, paygah va naghsh-e zan-e Mosalman [Social model, position, and role of the Muslim woman]. Tehran: Islamic Propaganda Organization. (in Persian)
7. Toghranghar, H. (2004). Hoghugh-e siyasi-ejtemayi-ye zanan ghabl o baad az pirouzi-ye enghelab-e Islami [Political-social rights of women before and after the victory of the Islamic Revolution]. Tehran: Islamic Revolution Archives Center. (in Persian)
8. Mortazavi, S. Z. (2008). Imam Khomeini va olgu-haye din-shenakhti dar masa'el-e zanan [Imam Khomeini and religious-cognitive models in women's issues]. Islamic Propaganda Office. (in Persian)
9. Mansournejad, M. (2007). Zanan: Hoghugh, keramat va hoviya dar defa az hoghugh-e zanan [Women: Rights, dignity, and identity in defending women's rights]. Tehran: Javan Pouya Publications. (in Persian)
10. Nouri, H. B. M. (1408 AH). Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il. Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. (in Persian)

11. Nikkhah Qomsari, N., & Sadeghi Fasaai, S. (2012). Zanan faratar az naghsh-haye sonnati: Barresi-ye jaygah-e zan dar kalam-e Imam Khomeini [Women beyond traditional roles: Investigating the position of women in the words of Imam Khomeini]. *Zan dar Farhang va Honar [Woman in Culture and Art]*, 4(2). (in Persian)